



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته حقوق بین الملل

تفکیک بین جنبش آزادی بخش و تروریسم در نظام حقوق بین الملل

استاد راهنما:

دکتر ستار عزیزی

استاد مشاور:

دکتر سید قاسم زمانی

نگارنده:

جمال احمدنژاد

زمستان ۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارزشیابی پایان نامه تحصیلی

دفاع نهایی پایان نامه آقای جمال احمدنژاد دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق
بین الملل به شماره دانشجویی ۸۸۱۲۳۶۸۲۰۱۴

تحت عنوان: " تفکیک بین جنبش آزادی بخش و تروریسم در نظام حقوق
بین الملل " در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۵ انجام و با درجه ب نمره ۱۸٫۰۰ مورد
تصویب قرار گرفت .

امضاء هیأت داوران:

۱- عضو هیأت علمی داوران: استاد راهنما جناب آقای دکتر ستار عزیزی

۲- عضو هیأت علمی داوران: استاد مشاور جناب آقای دکتر سیدقاسم زمانی

۳- عضو هیات داوران و نماینده تحصیلات تکمیلی: جناب آقای دکتر حبیبی

تقدیم به:

مبارزین جنبش های آزادی بخش، ملت مبارز فلسطین

و

خاطرات همیشه سبز جمیل احمدنژاد.....

تشکر و قدردانی

از جناب آقای دکتر ستار عزیزی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این پایان نامه را بر عهده گرفتند؛

از استاد صبور و با تقوا، جناب آقای دکتر سید قاسم زمانی، که زحمت مشاوره این پایان نامه را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید؛

و از استاد فرزانه و دلسوز؛ جناب آقای دکتر همایون حبیبی که زحمت داوری این پایان نامه را متقبل شدند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم.

و دوستان عزیزم، حمید سرشار، جلال نجاری، آسو بایزیدی، سیروان عبده زاده، محمد حاجی و سایر دوستانی که مرا در انجام این پایان نامه یاری فرمودند نهایت تشکر را دارم.

چکیده

موضوع جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و اقدامات آنها یکی از مهمترین چالش‌های فراروی تعریف تروریسم و مصادیق آن در حقوق بین‌الملل معاصر است. از یک سو تعدادی از کشورها معتقدند که اقدامات جنبش‌های آزادی‌بخش که در جهت احقاق حق تعیین سرنوشت خود تلاش می‌کنند از حوزه تروریسم خروج موضوعی دارند و اقدامات آنها مجرمانه نیست اما برخی دیگر از کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای معتقدند که هرچند جنبش‌های آزادی‌بخش را نمی‌توان تابع قواعد و مقررات مبارزه با تروریسم قرار داد اما اقدامات غیرقانونی این گروه‌ها همچنان تحت پوشش قواعد حقوق بشردوستانه بین‌الملل خواهد ماند. در مقابل گروهی دیگر از دولت‌ها به ویژه کشورهای غربی معتقدند که رفتار و اقدامات جنبش‌های آزادی‌بخش ملی هم مطابق با مقررات مبارزه با تروریسم و هم مطابق با قواعد حقوق بشردوستانه بین‌الملل مورد ارزیابی و قضاوت قرار خواهد گرفت. تداوم این اختلاف نظر از جمله موجباتی است که تاکنون مجمع عمومی سازمان ملل متحد موفق به تدوین کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم نشده است.

کلمات کلیدی:

جنبش‌های آزادی‌بخش، تروریسم، حق تعیین سرنوشت، حقوق بین‌الملل بشردوستانه

فهرست کلی مطالب

| | |
|--|-----------|
| بخش اول : تعریف جنبش آزادی‌بخش و تروریسم و چالش‌های مربوط به آن..... | ۵ |
| فصل اول: جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۶ |
| گفتار اول: تعریف جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۷ |
| گفتار دوم: تفاوت میان جنبش‌های آزادی‌بخش با گروه‌های شورشی و مقاومت مردمی..... | ۲۲ |
| فصل دوم: تعریف تروریسم و چالش‌های فرا روی آن..... | ۳۲ |
| گفتار اول: تعریف تروریسم..... | ۳۲ |
| گفتار دوم: چالش‌های فرا روی تعریف تروریسم..... | ۶۳ |
| بخش دوم: ارتباط میان مفاهیم جنبش‌های آزادی‌بخش و تروریسم..... | ۷۵ |
| فصل اول : رویکرد کلی و انفکاک ناپذیر به رابطه تروریسم و جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۷۶ |
| گفتار اول: مشروعیت تمامی فعالیت‌ها و اقدامات نهضت‌های آزادی‌بخش..... | ۷۶ |
| گفتار دوم: عدم مشروعیت تمامی فعالیت‌ها و اقدامات جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۱۰۰ |
| فصل دوم : رویکرد جزئی و تفکیک‌پذیر به رابطه تروریسم و جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۱۰۶ |
| گفتار اول: توصیف فعالیت‌های ناقض مقررات حقوق بین‌الملل توسط سازمان‌های آزادی‌بخش در چهارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه..... | ۱۰۸ |
| گفتار دوم: توصیف فعالیت‌های ناقض مقررات حقوق بین‌الملل توسط سازمان‌های آزادی‌بخش در چهارچوب نظام مبارزه با تروریسم..... | ۱۱۸ |
| نتیجه‌گیری..... | ۱۲۹ |

فهرست تفصیلی مطالب

| | |
|--|----------|
| مقدمه..... | ۱ |
| بخش اول : تعریف جنبش آزادی‌بخش و تروریسم و چالش‌های مربوط به آن..... | ۵ |
| فصل اول: جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۶ |
| گفتار اول: تعریف جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۷ |
| مبحث اول: تاریخچه شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش ملی..... | ۷ |
| بند اول: تاریخچه سیاسی جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۷ |
| بند دوم: تاریخچه حقوقی جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۸ |
| مبحث دوم: تعریف جنبش‌های آزادی‌بخش ملی..... | ۱۰ |
| مبحث سوم: معیارهای شناخت شخصیت حقوقی جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۱۳ |
| بند اول: نمایندگی..... | ۱۴ |
| بند دوم: سازماندهی..... | ۱۵ |
| بند سوم: اقتدار حکومتی و تسلط بر خاک (سرزمین)..... | ۱۷ |
| بند چهارم: شناسایی..... | ۱۷ |
| بند پنجم: حق تعیین سرنوشت..... | ۱۹ |
| گفتار دوم: تفاوت میان جنبش‌های آزادی‌بخش با گروه‌های شورشی و مقاومت مردمی..... | ۲۲ |

- ۲۳.....مبحث اول: شورشیان و معیارهای شناسایی آنها.....
- ۲۴.....بند اول: وجود یک مخاصمه مسلحانه فعال با قدرت نظامی معقول.....
- ۲۵.....بند دوم: کنترل موثری بر سرزمین یا بخشی از سرزمین.....
- ۲۶.....بند سوم: سازمان یافتگی نیروها و داشتن فرمانده مسئول.....
- ۲۷.....بند چهارم: شناسایی.....
- ۲۸.....مبحث دوم: مقاومت مردمی.....
- ۳۲.....فصل دوم: تعریف تروریسم و چالش‌های فرا روی آن.....
- ۳۲.....گفتار اول: تعریف تروریسم.....
- ۳۳.....مبحث اول: تاریخچه تروریسم.....
- ۳۶.....مبحث دوم: تعریف تروریسم.....
- ۳۷.....بند اول: مفهوم تروریسم بین‌المللی در زمان صلح.....
- بند دوم: معیارهای موجود در شناسایی تروریسم بر اساس اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و قوانین داخلی در زمان صلح به عنوان یک جرم مجزا.....
- ۳۹.....الف: معیار عینی.....
- ۴۰.....ب: معیار ذهنی در تعریف تروریسم.....
- ۴۴.....مبحث سوم: تفاوت جرایم سیاسی با تروریسم.....
- ۴۶.....مبحث چهارم: مفهوم تروریسم در زمان مخاصمات مسلحانه.....
- ۴۸.....مبحث پنجم: رویکرد نهادهای بین‌المللی به تروریسم.....
- ۴۸.....بند اول: کنفرانس یکسان‌سازی حقوق جزا.....
- ۴۹.....بند دوم: جامعه ملل.....

| | |
|--|-----------|
| بند سوم: سازمان ملل متحد..... | ۵۱ |
| الف: مجمع عمومی..... | ۵۱ |
| الف-۱: طرح مسئله تروریسم در مجمع عمومی..... | ۵۱ |
| الف-۲: اقدامات مجمع عمومی..... | ۵۲ |
| ب: شورای امنیت..... | ۵۷ |
| ب-۱: مبنای حقوقی ورود شورای امنیت به مسئله تروریسم..... | ۵۷ |
| ب-۲: اقدامات شورای امنیت..... | ۵۸ |
| مبحث پنجم: استنتاج عناصر موجود در تعریف تروریسم..... | ۶۱ |
| بند اول: برهم زدن جدی نظم و امنیت عمومی..... | ۶۱ |
| بند دوم: به خطر انداختن جان و سلامتی شهروندان (غیرنظامیان)..... | ۶۲ |
| بند سوم: وحشت پراکنی بین مردم..... | ۶۲ |
| بند چهارم: تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی..... | ۶۲ |
| گفتار دوم: چالش‌های فرا روی تعریف تروریسم..... | ۶۳ |
| بخش دوم: ارتباط میان مفاهیم جنبش‌های آزادی‌بخش و تروریسم..... | ۷۵ |
| فصل اول: رویکرد کلی و انفکاک ناپذیر به رابطه تروریسم و جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۷۶ |
| گفتار اول: مشروعیت تمامی فعالیت‌ها و اقدامات نهضت‌های آزادی‌بخش..... | ۷۶ |
| مبحث اول: علل حقوقی مشروعیت اقدامات جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۷۸ |
| بند اول: مشروعیت جنگ‌های آزادی‌بخش و قاعده منع توسل به زور..... | ۷۹ |
| بند دوم: دفاع مشروع و جنبش‌های آزادی‌بخش..... | ۸۰ |

- بند سوم: حق تعیین سرنوشت در برابر قاعده منع توسل به زور..... ۸۳
- بند چهارم: اصل اباحه یا عدم ممنوعیت در حقوق بین الملل..... ۸۷
- بند پنجم: جنگ نامتقارن، استراتژی ای برای جنبش های آزادی بخش..... ۸۸
- مبحث دوم: رهیافت خروج موضوعی جنبش های آزادی بخش از حوزه تروریسم..... ۹۰
- مبحث سوم: رهیافت اعمال قواعد حقوق بشر دوستانه بین الملل بر اقدامات جنبش های آزادی بخش... ۹۲
- گفتار دوم: عدم مشروعیت تمامی فعالیت ها و اقدامات جنبش های آزادی بخش..... ۱۰۰
- مبحث اول: رهیافت کشورهای غربی..... ۱۰۱
- مبحث دوم: رویه محاکم ملی..... ۱۰۲
- فصل دوم: رویکرد جزایی و تفکیک پذیر به رابطه تروریسم و جنبش های آزادی بخش..... ۱۰۶
- گفتار اول: توصیف فعالیت های ناقض مقررات حقوق بین الملل توسط سازمان های آزادی بخش در چهارچوب حقوق بین الملل بشر دوستانه..... ۱۰۸
- مبحث اول: اقدامات تروریستی تحت عنوان جرایم جنگی در زمان مداخلات..... ۱۰۸
- بند اول: تعریف جنایت جنگی..... ۱۰۸
- بند دوم: جنایت جنگی با عنوان ترور..... ۱۱۰
- بند سوم: تروریسم بین المللی به عنوان جرمی علیه بشریت..... ۱۱۶
- الف: وقوع حمله بر ضد جمعیت غیر نظامی..... ۱۱۶
- ب: اقدامات تروریستی بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه غیر نظامیان..... ۱۱۶
- ج: داشتن علم و آگاهی از گسترده بودن و سازمان یافته بودن عملیات..... ۱۱۷
- گفتار دوم: توصیف فعالیت های ناقض مقررات حقوق بین الملل توسط سازمان های آزادی بخش در چهارچوب نظام مبارزه با تروریسم..... ۱۱۸

- مبحث اول: راهکارهای کنترل و نظارت بر مضمونین اقدامات تروریستی..... ۱۱۹
- بند اول: گردآوری اطلاعات..... ۱۱۹
- بند دوم: ضبط گفت و شنودها و کنترل نامه‌ها..... ۱۲۰
- بند سوم: بازرسی مبادی ورود و خروج..... ۱۲۰
- مبحث دوم: تعقیب و بازرسی مضمونین جرایم تروریستی..... ۱۲۱
- بند اول: بازداشت بی مدت و مشروعیت شکنجه..... ۱۲۱
- بند دوم: معکوس شدن بار اثبات دعوا..... ۱۲۲
- مبحث سوم: اصل استرداد یا محاکمه..... ۱۲۳
- مبحث چهارم: مبارزه با تروریسم و رعایت حقوق بشر..... ۱۲۶
- نتیجه‌گیری..... ۱۲۹
- منابع و مأخذ..... ۱۳۸
- الف: منابع فارسی..... ۱۳۸
- ب: منابع لاتین..... ۱۴۳

موضوع تروریسم و جنبش‌های آزادی‌بخش بحث‌های بسیاری را در محافل علمی و دانشگاهی ایجاد کرده است اما در عرصه بین‌المللی به ارائه تعریفی واحد از تروریسم منتهی نشده است. تاکنون جامعه بین‌المللی بیش از آن متشکته بوده که بتوان جز گام‌های تردید آمیزی که در جهت‌هایی مشخص و نسبتاً دور از اختلاف برداشته شده دست به کار دیگری بزند. مجمع عمومی، شورای امنیت و سازمان‌های منطقه‌ای هر یک به نوعی به مسئله تروریسم پرداخته‌اند. ممکن است به دشواری بتوان این تحولات را توصیفی در جهت ارائه یک توضیح صحیح و اصولی از تروریسم و به تبع آن راهکارهای عملی، مؤثر و قانونمند جهت مبارزه علیه آن دانست. موضوع جنبش‌های آزادی‌بخش و فعالیت‌های آنان یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت است. در طول دوران فعالیت مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ارتباط با تعریف تروریسم، این امر مشخص شده که دو دیدگاه کاملاً متفاوت در مورد نوع اقدامات تروریستی وجود دارد. از یک سو کشورهای جهان سوم معتقد هستند در تعریفی که از تروریسم و عاملان غیر دولتی آن می‌شود، تفاوت میان اقدامات تروریستی و تلاش‌های جنبش‌های آزادی‌بخش نباید نادیده گرفته شود و از سوی دیگر کشورهای توسعه یافته از آن بیم دارند که هرگونه تعریف از تروریسم ممکن است اقدامات و فعالیت‌های جنبش‌های آزادی‌بخش را استثنایی بر ممنوعیت تروریسم قلمداد کند.

با توجه به اقدامات و فعالیت‌هایی که جنبش‌های آزادی‌بخش دارند، نسبت به آثار حقوقی ناشی از آن دو دیدگاه وجود دارد. گروه اول عمدتاً کشورهای جهان سوم و کشورهای عدم تعهد هستند. نظر به مشروعیت هدف سازمان‌های آزادی‌بخش در تحصیل استقلال و حق تعیین سرنوشت، تمامی اقدامات این جنبش‌ها در دستیابی به هدف را مشروع می‌دانند حتی اگر اقدامات مزبور توسط دیگر نهادها در وضعیت‌های دیگر انجام شوند می‌تواند به عنوان اقدام تروریستی محسوب شوند. از سوی دیگر برخی از دولت‌ها معتقدند که حملات مبارزان آزادی و دیگر مبارزان در مخاصمات مسلحانه اگر متوجه اشخاص و اهداف نظامی و با رعایت قواعد حقوق بشر دوستانه باشد، قانونی است و نباید آن را تروریستی دانست اما برای رسیدن به هدف مشروع نمی‌توان به ابزار نامشروع توسل جست از این رو برخی اقدامات از جمله حمله مستقیم به غیر نظامیان از سوی جنبش‌های آزادی‌بخش را قانونی تلقی نمی‌کنند.

طرفداران دیدگاه اخیر نیز در تحلیل و توصیف اعمال غیرقانونی جنبش‌های آزادی‌بخش به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی معتقدند که اقدامات غیرقانونی را باید در چارچوب قواعد حقوق بشردوستانه مورد بررسی قرار داد و به هیچ وجه نمی‌توان اقدامات جنبش‌های آزادی‌بخش را هر چند اگر غیرقانونی باشند در حوزه تروریسم جای داد، اما گروه دیگر معتقدند که اگر افراد متخاصم اشخاص غیرنظامی را هدف قرار دهند و هدف مرتکبان به وحشت انداختن غیرنظامیان باشد، آن اقدام تروریستی محسوب می‌شود و بنابراین اقدامات انجام شده در مخاصمات کاملاً تحت حاکمیت نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار ندارد.

هرچند در نگاه اول تفاوت آشکاری از نظر عملی میان دو رویکرد اخیر وجود ندارد و حمله نیروهای طرفین مخاصمه علیه مردم غیرنظامی خواه به عنوان جرایم تروریستی و خواه به عنوان جرایم جنگی، جرم‌انگاری شده‌اند اما تفاوت عمده‌ای در آثار حقوقی دو رویکرد وجود دارد: اولاً، میزان اختیارات تحقیق و جمع‌آوری مدارک که به بازرسان کیفری داده می‌شود متفاوت است. روشن است که بازرسان در مواردی که عمل مجرمانه به عنوان اقدامی تروریستی محسوب می‌شود، اختیارات گسترده‌تری دارند. دوماً، اگر عمل مجرمانه‌ای را تحت عنوان تروریسم توصیف نماییم، در این صورت اقدامات آماده‌سازی آن عمل نیز می‌تواند کیفری محسوب شود اما اگر همان عمل را جنایت جنگی بخوانیم در این صورت صرف اقدامات آماده‌سازی مجرمانه نخواهند بود. مهم‌ترین مثال در این مورد رای محکمه ایتالیایی است که قاضی دادگاه، صرف تأمین مالی جهت مبارزان عراقی که علیه آمریکا می‌جنگند را اقدامی مجرمانه ندانست اما در صورتی که جمع‌آوری پول یا جعل اسناد به منظور هدف قرار دادن غیرنظامیان باشد تا بدین وسیله به گسترش ترس و وحشت بپردازند، کمک‌های مالی یا جعل اسناد نیز به عنوان اقدامات اولیه جرم تروریسم تلقی می‌گردد.

سوال اصلی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که آیا مبارزان جنبش‌های آزادی‌بخش مجازند در جهت رسیدن به حق تعیین سرنوشت و امحاء استعمار، دفع اشغال خارجی و مقابله با رژیم‌های نژادپرست به هرگونه اقدامی دست یازند، حتی اگر آن اقدام در گروه اقدامات تروریستی توصیف شود؟

در سؤال فرعی اول اگر بپذیریم که برای دستیابی به هدف، انجام هر اقدامی مجاز نیست، آیا اقدامات غیر قانونی این جنبش‌ها را باید در چهارچوب نقض قواعد حقوق بشردوستانه بررسی نمود یا در گستره‌ی نظام حقوقی مبارزه با تروریسم؟

در سؤال فرعی دوم، آیا بر اساس اسناد، قواعد و مقررات موجود در حوزه حقوق بین‌الملل، می‌توان میان جنبش‌های آزادی‌بخش و فعالیت‌های تروریستی قائل به تفکیک روشنی شد؟

هدف کلی ما از انجام تحقیق حاضر دستیابی به معیارهای پذیرفته شده و حقوقی برای تفکیک این دو نهاد از طریق بررسی اسناد و مصادیق حقوقی موجود در حوزه حقوق بین‌الملل می‌باشد. همچنین **اهداف جزئی** این نوشتار نیز پژوهشی متشکل از عوامل ذیل خواهد بود؛
۱: نمایاندن جایگاه نهضت‌های آزادی‌بخش در نظام حقوق بین‌الملل ۲: بررسی الزامات حقوقی حاکم بر اقدامات نهضت‌های آزادی‌بخش ۳: بررسی آثار حقوقی ناشی از اقدامات نهضت‌های آزادی‌بخش

در فرضیه اصلی که مورد حمایت قرار گرفته است، فعالیت نهضت‌های آزادی‌بخش در قالب حقوق بشردوستانه و نه نظام حقوقی مبارزه با تروریسم جای می‌گیرد.

در فرضیه فرعی اول، نهضت‌های آزادی‌بخش، با توجه به قدر متیقن‌های موجود، ملزم به رعایت حقوق بشردوستانه هستند.

در فرضیه‌ای فرعی دوم نیز تا کنون در اسناد حقوقی بین‌المللی، تفکیک روشن و متقنی از تروریسم و نهضت‌های آزادی‌بخش ارائه نشده است.

تحقیق پیش رو به روش تحلیلی-توصیفی انجام گرفته و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

ساماندهی تحقیق به روش دو بخشی است و هر بخش دارای دو فصل بوده بدین ترتیب که در بخش اول به تعریف جنبش‌های آزادی‌بخش و تروریسم و چالش‌های مربوط به آن پرداخته شده است که در فصل اول آن، تعریف جنبش‌های آزادی‌بخش و در فصل دوم، تروریسم و چالش‌های مربوط به آن مورد بررسی قرار گرفته شده است. در بخش دوم پایان‌نامه، ارتباط میان مفاهیم جنبش‌های آزادی‌بخش و تروریسم را مورد توجه قرار داده است که فصل اول آن

رویکرد کلی و انفکاک ناپذیر به رابطه تروریسم و جنبش‌های آزادی‌بخش را بررسی کرده و فصل دوم نیز رویکرد جزئی و تفکیک‌پذیر به رابطه تروریسم و جنبش‌های آزادی‌بخش بیان کرده است.

**بخش اول : تعریف جنبش‌های آزادی‌بخش و تروریسم و چالش‌های مربوط
به آن**

فصل اول: جنبش‌های آزادی‌بخش

جوامع بشری از هنگامی که شکل سازمانی به خود می‌گیرد، با مسئله قدرت و نزاع بر سر آن مواجه می‌شوند. هر جامعه نیاز به رهبری و اداره امور دارد و طبیعتاً مدعیان رهبری فراوانند. وجود بافت‌های قومیتی، نژادی، مذهبی و ... در داخل مرزهای سیاسی یک کشور همواره باعث افزایش خشونت‌ها بوده است. چنانچه "کاستلز" در رابطه با قومیت می‌گوید: «در بسیاری از جوامع معاصر، از ایالات متحده آمریکا گرفته تا کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا، قومیت زیربنای تفکیک اجتماعی و بازشناسی اجتماعی و نیز تبعیض‌های اجتماعی است. قومیت همچنین پایه و اساس قیام برای عدالت اجتماعی بوده و هست».^۱ برخی درگیری‌ها و جنگ‌ها در مقابله با رژیم‌های استعمارگر، متجاوزان خارجی، و حکومت‌های نژادپرست انجام می‌شود که امروز ماهیت آنها بین‌المللی است. بعضی از درگیری‌های داخلی نیز جهت کسب قدرت سیاسی و سرنگونی حکومت حاکم انجام می‌شود و در مواردی نیز گروه‌های جدایی طلب برای استقلال و تجزیه قسمتی از سرزمین یک کشور با حکومت مرکزی درگیر می‌شوند. در این میان تاکنون گروه‌ها و سازمان‌های بسیاری از گروه‌های ضد استعماری، شورشی، مقاومت مردمی و یا تجزیه-طلب وجود داشته‌اند که برای مشروعیت دادن به اعمال خشونت‌بارشان، خود را جنبش‌های آزادی‌بخش معرفی کرده‌اند تا جزو تابعان حقوق بین‌الملل قرار گیرند. به همین دلیل در عناوین رسمی سازمانشان، چنین واژه‌گانی درج شده است. مثلاً در حال حاضر می‌توان از سازمان‌های شورشی همچون «جبهه آزادی‌بخش ملی کرس»^۲، «جبهه آزادی‌بخش کابیندا»^۳ و ... نام برد.

رویه اسناد حقوق بین‌الملل خاطر نشان می‌سازد، تنها سازمانهایی از ماهیت بین‌المللی برخوردار خواهند بود که در مقابل یکی از موارد رژیم‌های استعمارگر، متجاوزان خارجی، و رژیم‌های نژاد پرست جهت دستیابی به حق تعیین سرنوشت خود به اقدامات مسلحانه متوسل گردند. اما گروه‌ها و سازمانهایی که در حال مبارزه با دولت حاکمه خود بوده یا برای تجزیه قسمتی از

۱. مانوئل کاستلز، اقتصاد، جامعه و فرهنگ: عصر اطلاعات، قدرت و هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵، ص

۷۲

۲. این سازمان { Corsican National Liberation Front (FLNC) } جهت استقلال منطقه کرس با دولت فرانسه مبارزه می‌کند.

۳. این گروه { Front for the Liberation of Cabinda (FLEC) } برای تجزیه منطقه نفت خیز کابیندا از کشور آنگولا می‌جنگد.

سرزمین یک کشور در حین درگیری با حکومت مرکزی هستند، دارای ماهیت بین‌المللی نخواهند بود هرچند عنوان سازمانی خود را آزادیبخش ملی قرار داده باشند^۴.

گفتار اول: تعریف جنبش‌های آزادی‌بخش

در این گفتار سعی می‌شود به تبعیت از قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل، جنبش‌های آزادی‌بخش، گروه‌های شورشی و مقاومت مردمی تعریف شوند تا مشخص گردد وجه تمایز این گروه‌ها با جنبش‌های آزادی‌بخش در چیست و چه گروه‌هایی نهضت آزادی‌بخش ملی تلقی می‌گردند؟

مبحث اول: تاریخچه شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش ملی

شناخت جنبش‌های آزادی‌بخش ملی جز از طریق آشنایی به اوصاف و ویژگی‌هایی که در طول زمان شکل گرفته‌اند امکانپذیر نخواهد بود. فلذا در این مبحث تلاش می‌گردد به چگونگی شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش ملی از هر دو لحاظ سیاسی و حقوقی پرداخته شود.

بند اول: تاریخچه سیاسی جنبش‌های آزادی‌بخش

اولین نقطه عطف ظهور موجودیت‌هایی که با حضور گروه‌های مردمی در قالب ملیت مشترک قابل لمس گردید به گونه‌ای که مردم یا ملت بتوانند در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذار باشند به انقلاب‌های مردم آمریکا و فرانسه در قرن هجدهم و نوزدهم بر می‌گردد. گسترش احساسات ناسیونالیستی و هویت خواهی ملت‌ها و در نتیجه تلاش‌های مستمر برای دستیابی به یک حکومت مشروع که بتواند استقلال سیاسی را در یک واحد ملی به ارمغان بیاورد حضور نهضت‌های

⁴ Bruno Zimmermann with the collaboration of Jean Pictet, (Yves Sandoz et. al eds.), **Commentary on the Additional 1 Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949**, International Committee of the Red Cross, Martinus Nijhoff Publishers, Geneva 1987, pp.54-55.

آزادی‌بخش ملی در قرن بیستم را به اوج خود رساند.^۵

ملی‌گرایی و اتحاد در قالب یک ملت در مسیر کسب استقلال سیاسی تأثیر قابل ملاحظه‌ای در برهم ریختن نظم کهن جهانی و ایجاد نظم نوین بین‌الملل داشته است. یکی از جلوه‌های بروز این تحولات را می‌توان در قالب مبارزه‌های مردمی برای نیل به استقلال ملی در برابر دولت‌های استعمارگر غربی مشاهده کرد. در همین رابطه "کشورهای بلوک شرق نیز با ملی‌گرایی جهان سوم در مبارزه با امپریالیسم غربی بر مبارزات استقلال‌طلبانه در کشورهای استعماری دامن زده و از گروه‌های مردمی که داخل این کشورها در برابر امپریالیسم دول غربی مقاومت می‌نمودند، حمایت می‌کردند."^۶

بند دوم: تاریخچه حقوقی جنبش‌های آزادی‌بخش

ریشه‌های تاریخی هویت حقوقی جنبش‌های آزادی‌بخش را می‌توان در نظام نمایندگی و نظام قیمومت مشاهده کرد. بر اساس ماده ۲۴ میثاق جامعه ملل این امکان ایجاد شد تا ملت‌هایی که در «شرایط سخت دنیای نوین توانایی اداره خود را ندارند تحت سرپرستی و قیمومت ملت‌هایی قرار گیرند که از لحاظ منابع ثروت، تجربه یا موقعیت جغرافیایی بهتر از کشورهای دیگر می‌توانند عهده‌دار این مسئولیت شده و آنرا پذیرا گردند.»^۷

با آغاز جنگ جهانی دوم و انحلال و نابودی جامعه ملل، نظام نمایندگی نیز مشروعیت خود را از دست می‌دهد. با این وجود و بعد از تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵، ماده ۷۳ منشور سازمان ملل از وضعیت سرزمین‌های غیر خودمختار غافل نمی‌ماند. در این ماده ضمن واگذاری مسئولیت اداره سرزمین‌های غیر خودمختار به اعضای ملل متحد، تعهداتی را برای دول عضو اعمال می‌نماید. از جمله اینکه پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی ساکنین این سرزمین‌ها را تأمین نمایند، حکومت غیر خودمختار را توسعه دهند، مردم را در توسعه تدریجی مؤسسات سیاسی آزاد، یاری نمایند و در تحکیم صلح و امنیت بین‌الملل بکوشند.

^۵. Antony Anghie, "Imperialism, Sovereignty and the Making of International Law", Cambridge University Press, p.204-206.

^۶. ریچارد بولیت، تاریخ قرن بیستم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۸۲، ص ۶۵.

^۷. آبر کلیار، نهادهای روابط بین‌الملل، هدایت الله فلسفی نشر نو، ۱۳۶۸، ص ۴۱۱.